Vol. 13 | No. 3474 | Sun. Nov 29 . 2026 | یکشنبه ۸ آذر ۱۴۰۵ | ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۴۷۴ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

اضافه شدن ۵۴ میلیون لیتر به سهم مصرف کارت سوخت شخصی تهران

اجرای آزمایشی طرح شناسه‌دار کردن کارت‌های جایگاه

صفحه ۳

نقش VPN در محاسبه ترافیک داخلی و بین‌الملل زیر ذره‌بین

اپراتورها تبرئه شدند ابهام کاربران باقی ماند

صفحه ۶

«تعادل» روند معاملات بورس را بررسی می‌کند

کوچ نقدینگی به بورس

بازار سرمایه پس از تجربه یک دوره فشار، اکنون وارد دوره رونق شده و روز گذشته شاهد رشد و رکوردشکنی بورس تهران بودیم. ریزش بورس در هفته‌ها و روزهای گذشته را نمی‌توان صرفاً به اصلاح قیمت‌ها یا شناسایی سود از سوی معامله‌گران دانست؛ بلکه مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، سیاسی و روانی در شکل‌گیری موج عرضه نقش داشته‌اند. افزایش نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی، نگرانی از تشدید تنش‌های منطقه‌ای، نوسانات نرخ ارز و ابهام در چشم‌انداز متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله عواملی بودند که بر انتظارات سرمایه‌گذاران تأثیر گذاشتند و موجب شدند بخشی از فعالان بازار ترجیح دهند به‌جای پذیرش ریسک، نقدینگی خود را از سهام خارج کنند. در این شرایط، افزایش احتیاط معامله‌گران و کاهش اعتماد به پایداری روند صعودی، فشار فروش را در بسیاری از نمادها تشدید کرد. از سوی دیگر، جذابیت نسبی بازارهای موازی و صندوق‌های درآمد ثابت، در کنار نگرانی از افزایش نرخ بهره و تأثیر آن بر هزینه تأمین مالی شرکت‌ها و ارزش گذاری سهام، به خروج بخشی از سرمایه‌ها از بازار سهام دامن زد. از سوی دیگر تجربه افت‌های قبلی و نگرانی از تکرار نوسانات شدید، باعث شد واکنش سرمایه‌گذاران به اخبار منفی سریع‌تر و شدیدتر شود. با این حال، معاملات روز اخیر تصویر متفاوتی از وضعیت بازار ارایه داد و بازگشت تقاضا در بخش گسترده‌ای از نمادها، بار دیگر امید به بهبود شرایط را تقویت کرد. ورود نقدینگی حقیقی، افزایش قدرت خریداران و تشکیل صف‌های خرید در تعداد زیادی از نمادها نشان داد که بخشی از سرمایه‌گذاران بار دیگر به بازار سهام توجه نشان داده‌اند. بازار سرمایه در معاملات اولین روز کاری هفته روندی مثبت و پرقدرت را پشت سر گذاشت و شاخص‌های بورسی با رشد قابل توجهی همراه شدند. افزایش بیش از ۲۲۵ هزار واحدی...

صفحه ۴ را بخوانید



حسن مرادی در گفت‌وگو با «تعادل» از ضرورت اصلاح الگوی مصرف گاز در زمستان می‌گوید

پیروزی در جنگ با سلاح انرژی

زهرا سلیمانی |

در روزهایی که فشارهای همه‌جانبه خارجی و حوادث اخیر، زیرساخت‌های حیاتی کشور را نشانه رفته، اظهارات اخیر رییس جمهور مبنی بر اینکه «ایران با تأمین انرژی مورد نیاز و ساماندهی ساختار مصرف می‌تواند سیاست‌ها و توطئه‌های دشمنان را مهار کند»، توجه کارشناسان اقتصادی و فنی را به خود جلب کرده است. پزشکیان با صراحت از ضرورت اصلاح الگوی مصرف و برنامه‌ریزی فوری برای پشت‌سر گذاشتن زمستان سخت سخن گفت؛ موضوعی که فراتر از یک توصیه مدیریتی، حامل پیامی راهبردی در حوزه امنیت ملی است. برای واکاوی این گزاره کلیدی و بررسی چگونگی خروج از بحران فزاینده ناترازی گاز، «تعادل» با حسن مرادی، کارشناس ارشد حوزه انرژی به گفت‌وگو نشسته است. مرادی در این گفت‌وگو، ضمن پشتیبانی قاطع از رویکرد رییس جمهور، ریشه‌های تاریخی و سیاستگذاری بحران کنونی از جمله تبعات طرح تثبیت قیمت‌ها در مجلس هفتم را بازخوانی کرده و هشدار می‌دهد که بدون مشارکت فعال مردم، اصلاح تجهیزات گرمایشی فرسوده و برخورد قاطع با مدیران مسرف در نهادهای دولتی، عبور از چالش‌های پیش‌رو ناممکن خواهد بود.

■ رییس جمهور در تازه‌ترین مواضع خود با اشاره به تشدید چالش‌های گازی پس از حوادث و آسیب‌های اخیر به تأسیسات، بر این نکته کلیدی دست گذاشتند که ایران می‌تواند با ساماندهی مصرف و مدیریت بهینه بخش انرژی، فشارها و نقشه‌های دشمنان را مهار و خنثی کند. تحلیل شما از این دیدگاه چیست و چرا ساماندهی انرژی به ابزار تقابل راهبردی تبدیل شده است؟

سخنان اخیر رییس جمهور کاملاً دقیق، کارشناسانه و برخاسته از درک عمیق واقعیت‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی کشور است. واقعیت این است که حوزه انرژی امروز میدان اصلی جنگ اقتصادی و روانی علیه ایران است. دشمن به خوبی می‌داند که اگر شریان‌های انتقال انرژی دچار اختلال شوند یا ناترازی گاز در فصل سرد سال به قطعی گرمایش خانگی و تعطیلی کارخانه‌ها بینجامد، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی سنگینی در پی خواهد داشت. بنابراین، وقتی رییس جمهور تأکید می‌کنند که با مدیریت انرژی می‌توان دسیسه‌های دشمن را بی‌اثر کرد، یعنی ما باید تاب‌آوری درونی خود را افزایش دهیم. امروز به دلیل برخی نارسایی‌های ساختاری، میزان مصرف انرژی و اتلاف و هدررفت آن در کشور به‌شدت بالاست. این شکاف فزاینده میان تولید و مصرف نامناسب، پدیده‌ای نیست که طی چند ماه اخیر شکل گرفته باشد، اما حوادث اخیر سبب شد تا حساسیت‌ها مضاعف شود. امروز فائق آمدن بر این ناترازی دقیقاً به معنای شکستن حربه‌های تحریم و فشار دشمن است. اگر ما بتوانیم در داخل مصرف را مدیریت کنیم، نه تنها نیازی به انفعال نداریم، بلکه قدرت مانور سیاسی کشور در عرصه بین‌المللی نیز حفظ خواهد شد.

■ ریشه انحراف در الگوی مصرف به طرح تثبیت قیمت‌ها در مجلس هفتم بازمی‌گردد

■ وجود ۲۵ میلیون بخاری غیراستاندارد؛ شبکه توزیع نیازمند بازطراحی ساختاری است

■ به جای قطع گاز ادارات متخلف، مدیران مصرف باید توبیخ و برکنار شوند

■ اگر روی فناوری ال‌ان‌جی سرمایه‌گذاری کرده بودیم، امروز بازار صادراتی در انحصار رقبا نبود

■ برای ریشه‌یابی این حجم بالا از اتلاف، باید به کجا‌ نگاه کرد؟ چطور شد که کشوری با ذخایر عظیم گازی، امروز در تأمین نیازهای پایه با ناترازی دست‌به‌گریبان است؟

برای فهم وضعیت فعلی باید شجاعانه به گذشته نگاه کنیم. ریشه اصلی بخش عمده‌ای از این نارسایی‌ها به تصمیمات مقطعی و پوپولیستی گذشته، به‌ویژه طرح موسوم به تثبیت قیمت‌ها در مجلس هفتم بازمی‌گردد. در آن برهه، مجلس قانونی تصویب کرد که به صورت دستوری جلوی تعدیل تدریجی و عقلانی بهای حامل‌های انرژی را گرفت. این طرح نه‌تنها باری از دوش اقتصاد برنداشت، بلکه نوع خاصی از نارسایی و اسراف مفرط را در حوزه مصرف سوخت کشور نهادینه کرد. در مراحل بعدی نیز هیچ‌گاه الگوی مصرف علمی و مناسبی به جامعه ارایه نشد. قیمت‌ها به صورت غیرواقعی پایین نگاه داشته شد و همزمان پیام غلطی به صنایع و مصرف‌کنندگان داده شد که انرژی بی‌پایان و ارزان است. اینکه دولت و رییس جمهور امروز مدام بر ضرورت صرفه‌جویی و بهبود ساختارهای انرژی پافشاری می‌کنند، ناشی از همین آگاهی تلخ است؛ زیرا مصرف انرژی به شیوه فعلی کار را به نقطه‌ای کشانده که کشور حتی برای رفع مصارف عادی و گرمایشی خود نیز با ریسک‌های جدی روبرو می‌شود. ظرفیت تولید ما مشخص است و با وجود تلاش شبانه‌روزی صنعتگران، تقاضای افسار گسیخته منابع را می‌بلعد.

■ یکی از نکات برجسته صحبت‌های پزشکیان، تأکید بر مسوولیت متقابل دولت و مردم است. جامعه چطور می‌تواند در این نبرد برای حفظ پایداری شبکه انرژی نقش‌آفرینی کند؟

دقیقاً همین طور است. ساماندهی انرژی یک معادله دوطرفه است. اگر مردم همت کنند - درست همان گونه که در بخش برق در فصول گرم سال نوعی همکاری و همراهی شکل گرفت - می‌توانیم از این گردنه دشوار عبور کنیم. همراهی مردم با نهادهای دولتی، خط بطلانی بر نقشه‌های بیگانگان خواهد کشید. ما نیازمند سیاستگذاری قوی و برنامه‌ریزی منسجم در تمامی بخش‌ها هستیم تا بتوانیم صرفه‌جویی ملموسی ایجاد کنیم. از سوی دیگر، نباید از فداکاری بدنه فنی غافل شد. کارگزاران نفت، کسانی که امروز در شرایط بسیار سخت آب‌وهوایی روی سکوهای نفتی، دکل‌های حفاری و سایت‌های پخش و پالایش زحمت می‌کشند، انسان‌هایی وظیفه‌شناس، متخصص و متعهد هستند. آنها کار خود را به بهترین شکل انجام می‌دهند. اگر ما یک بازه زمانی معین را تا ابتدای زمستان به عنوان هدف و تارگت تعیین کنیم و کارگزاران تولید ما موریت بازسازی و حفظ توان تولیدی را با کیفیت انجام دهند و در سوی مقابل مردم نیز حداقل‌های صرفه‌جویی را رعایت کنند، قطعاً بر بحران پیروز خواهیم شد. اما مانع اصلی تنها کمبود گاز نیست؛ بلکه نوعی رفتار مصرفی ناهنجار و بی‌تفاوتی در برخی اقشار است که باید متوقف شود.

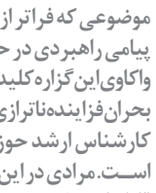
■ به رفتارهای نامناسب مصرفی اشاره کردید؛ آیا در این زمینه مصداق‌های عینی مشاهده می‌کنید که ناشی از عدم احساس مسوولیت جمعی باشد؟

بله، متأسفانه رفتارهایی دیده می‌شود که انسان را عمیقاً آزرده‌خاطر می‌کند. من بارها با برخی از همسایگان خودم برخورد داشته‌ام؛ افرادی که حتی از سر لجبازی اصراف می‌کنند

ادامه در صفحه ۵

یادداشت - ۲

ارز در تنگنای تجارت



بهاالدین حسینی‌هاشمی

افزایش نرخ ارز در بازار آزاد را نمی‌توان صرفاً به تحولات روزانه بازار یا رفتار معامله‌گران نسبت داد. آنچه امروز بر بازار ارز می‌گذرد، حاصل مجموعه‌ای از محدودیت‌های تجاری، افزایش هزینه‌های مبادله، دشواری دسترسی به منابع ارزی و تشدید نااطمینانی‌های سیاسی است. در چنین شرایطی، سیاستگذار پولی باید میان عواملی که ریشه در ساختار تجارت خارجی دارند و عواملی که از انتظارات و فضای روانی بازار ناشی می‌شوند، تمایز قائل شود.

یکی از موضوعات مهم در تحولات اخیر، تکرار سیاست عرضه ۱۰ هزار دلار به ازای هر کارت ملی است. این سیاست پیش‌تر نیز با هدف کنترل بازار به کار گرفته شده، اما تجربه نشان داده که نتوانسته مانع افزایش نرخ ارز شود. عرضه ارز با چنین سازوکاری، حتی اگر در مقاطعی بتواند بخشی از تقاضای بازار را پاسخ دهد، جایگزین تامین ارز مورد نیاز تجارت و تولید نخواهد بود. مساله اصلی این است که منابع ارزی کشور چگونه و با چه اولویتی تخصیص پیدا می‌کنند؟ در کنار این موضوع، تحریم مرکز مبادله ارز و طلای ایران نیز از عواملی است که می‌تواند بر بازار تاثیر بگذارد. مرکز مبادله صرفا یک محل فیزیکی برای خرید و فروش ارز نیست، بلکه بستری برای قرارداد میان صادر کنندگان و وارد کنندگان است. صادر کننده و وارد کننده در این سازوکار با یکدیگر توافق می‌کنند، ارز در محل دیگری تحویل داده می‌شود و وارد کننده در مقابل، تعهدات خود را از طریق واردات کالا ایفا می‌کند. درک آثار تحریم این سازوکار، هم برای فعالان اقتصادی و هم برای مردم، به زمان نیاز دارد.

از سوی دیگر، شرایط ناشی از محاصره دریایی دو فشار جدی بر اقتصاد کشور وارد می‌کند. نخست، محدود شدن امکان صادرات نفتی و غیرنفتی است که دسترسی به منابع ارزی را دشوارتر می‌کند. دوم، افزایش هزینه انتقال کالا و واردات است. استفاده از مسیرهای زمینی و ریلی، اگرچه می‌تواند بخشی از نیازهای تجاری کشور را پاسخ دهد، هزینه‌های سنگینی به همراه دارد. این هزینه‌ها در نهایت به قیمت تمام شده کالاها منتقل می‌شوند و آثار خود را در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ تورم نشان می‌دهند.

در چنین وضعیتی، تحولات سیاسی و فضای رسانه‌ای نیز اهمیت پیدا می‌کنند. تبلیغات رسانه‌های خارجی، افزایش نگرانی‌ها درباره آینده و نبود دستاورد مشخص در نشست سه‌جانبه اخیر، بر انتظارات فعالان بازار تاثیر گذاشته است. با این حال، نباید همه تحولات بازار ارز را به فضای روانی نسبت داد، زیرا بخشی از فشار موجود، نتیجه محدودیت‌های واقعی در صادرات، واردات و انتقال منابع است.

مساله اصلی برای بانک مرکزی، تامین ارز مورد نیاز بخش بازرگانی، تجارت و صنعت است. اگر وارد کنندگان نتوانند ارز مورد نیاز خود را در زمان مناسب دریافت کنند، برای ایفای تعهداتشان ناچار به مراجعه به بازار آزاد خواهند شد. این مساله خود می‌تواند تقاضای بیشتری ایجاد کند و فشار بر نرخ ارز را افزایش دهد.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت - ۱

رابطه بحران گاز با تولید، اشتغال و قیمت‌ها



پوریا زرشناس

رییس جمهور دیروز در خصوص ضرورت صیانت از ظرفیت‌های گازی کشور صحبت کرد. موضوعی که لازم است از منظر تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد. با نزدیک شدن به فصل سرد، ناترازی انرژی در ایران بار دیگر از یک مساله فنی و زیرساختی به یکی از متغیرهای تعیین‌کننده در عملکرد اقتصاد تبدیل می‌شود. اگرچه محدودیت گاز در زمستان معمولا با تاکید بر ضرورت مدیریت مصرف خانگی و حفظ پایداری شبکه مطرح می‌شود، ابعاد اقتصادی این مساله بسیار فراتر از تامین گرمایش ساختمان‌هاست. گاز در اقتصاد ایران تنها یک حامل انرژی نیست، بلکه بخشی از زنجیره تولید، اشتغال، صادرات، درآمد دولت و هزینه تمام شده بسیاری از کالاها و خدمات محسوب می‌شود. از همین رو، هرگونه محدودیت در تامین انرژی صنایع، به‌ویژه در ماه‌هایی که تقاضای مصرف افزایش می‌یابد، می‌تواند پیامدهایی زنجیره‌ای ایجاد کند. کاهش تولید، اختلال در تامین مواد اولیه، افزایش هزینه بنگاه‌ها، تغییر برنامه‌های سرمایه‌گذاری و فشار بر قیمت‌ها بخشی از پیامدهایی هستند که ممکن است در صورت استمرار ناترازی انرژی نمایان شوند. مساله اصلی این است که ناترازی گاز دیگر صرفا یک مشکل فصلی نیست، بلکه به‌تدریج به یکی از محدودیت‌های ساختاری اقتصاد ایران تبدیل شده است.

◄ ناترازی انرژی؛ از محدودیت زیرساخت تا محدودیت رشد

اقتصاد ایران در سال‌های گذشته بارها با مساله ناترازی انرژی مواجه شده است؛ اما تکرار این مساله نباید باعث عادی‌سازی پیامدهای آن شود. هنگامی که محدودیت تامین گاز به یک انتظار فصلی برای صنایع تبدیل می‌شود، بنگاه‌ها ناچارند بخشی از برنامه‌های تولید خود را بر اساس احتمال محدودیت انرژی تنظیم کنند. این وضعیت، حتی پیش از اعمال محدودیت واقعی، می‌تواند بر تصمیم‌های اقتصادی اثر بگذارد. گزارش‌های منتشر شده در هفته‌های اخیر از تشدید نگرانی‌ها درباره تامین گاز در زمستان امسال حکایت دارند. برآوردهای رسمی و گزارش‌های رسانه‌ای از احتمال کسری قابل توجه گاز در روزهای اوج مصرف، محدودیت برای برخی صنایع و دشواری تامین سوخت نیروگاه‌ها خبر داده‌اند. در برخی گزارش‌ها، ظرفیت تولید از دست رفته به دلیل آسیب به زیرساخت‌ها نیز به عوامل تشدیدکننده شرایط امسال اضافه شده است. با این حال، تحلیل ناترازی گاز نباید به شرایط خاص امسال محدود شود. آسیب‌های زیرساختی، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و تحریم‌ها می‌توانند شدت بحران را افزایش دهند، اما مساله عدم توازن میان تولید، مصرف، زیرساخت و مدیریت منابع، پیش از این نیز وجود داشته است. اگر بحران انرژی تنها به عوامل مقطعی نسبت داده شود، بخش مهمی از مساله، یعنی ضرورت اصلاحات بلندمدت، از نگاه سیاستگذار پنهان خواهد ماند.

◄ وقتی محدودیت انرژی به محدودیت تولید تبدیل می‌شود

در بسیاری از صنایع ایران، گاز نقش مستقیم یا غیرمستقیم در فرآیند تولید دارد. صنایع فولاد، سیمان، پتروشیمی، صنایع غذایی و شماری از واحدهای تولیدی دیگر، به شکل‌های متفاوت به انرژی وابسته‌اند. در برخی از این صنایع، گاز علاوه بر سوخت، بخشی از مواد اولیه یا فرآیند تولید محسوب می‌شود؛ بنابراین محدودیت آن می‌تواند پیامدهایی فراتر از کاهش موقت مصرف انرژی ایجاد کند. برای بنگاه تولیدی، محدودیت گاز ممکن است به کاهش ظرفیت عملیاتی، افزایش هزینه تامین سوخت جایگزین، تغییر برنامه تولید، اختلال در تحویل سفارش‌ها و دشواری مدیریت نیروی انسانی منجر شود. اگر محدودیت‌ها قابل پیش‌بینی نباشند، بنگاه نیز امکان برنامه‌ریزی دقیق برای موجودی مواد اولیه، زمانبندی تولید و تعهدات تجاری را از دست می‌دهد. در صنایع بزرگ، توقف یا کاهش تولید ممکن است به بخش‌های دیگر زنجیره تامین نیز منتقل شود. برای مثال، کاهش تولید یک ماده صنعتی می‌تواند تامین مواد مورد نیاز واحدهای پایین‌دستی را دشوارتر کند. در چنین شرایطی، آثار ناترازی انرژی فقط در همان واحدی که با محدودیت مواجه شده باقی نمی‌ماند، بلکه می‌تواند در شبکه‌ای از تولیدکنندگان، تامین‌کنندگان و مصرف‌کنندگان صنعتی گسترش یابد. گزارش‌های اخیر از محدودیت تامین گاز برای برخی واحدهای فولادی و پتروشیمی نیز نشان می‌دهند که این نگرانی صرفا نظری نیست و بخشی از صنایع در حال مواجهه با محدودیت‌های عملی هستند.

◄ هزینه‌ای که در آمار مصرف دیده نمی‌شود

یکی از پیچیدگی‌های اقتصادی ناترازی انرژی، تفاوت میان هزینه مستقیم و هزینه غیرمستقیم آن است. هزینه مستقیم، همان هزینه‌ای است که در صورت‌حساب سوخت، تامین تجهیزات، استفاده از سوخت جایگزین یا کاهش تولید نمایان می‌شود. اما هزینه غیرمستقیم می‌تواند در قالب کاهش بهره‌وری، از دست رفتن فرصت صادرات، تاخیر در اجرای پروژه‌ها، افت کیفیت برنامه‌ریزی و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری ظاهر شود. بنگاهی که نمی‌تواند درباره میزان دسترسی خود به انرژی اطمینان داشته باشد، ممکن است در تصمیم برای توسعه ظرفیت تولید، خرید تجهیزات جدید یا ورود به بازارهای تازه محتاط‌تر عمل کند.

ادامه در صفحه ۳

ضرورت انضباط مالی و حفظ تاب‌آوری اقتصاد

بودجه ۱۴۰۶ در آزمون جنگ

بودجه سال ۱۴۰۶ در شرایطی تدوین می‌شود که اقتصاد ایران هم‌زمان با تورم بالا، محدودیت منابع درآمدی، تحریم‌های خارجی و پیامدهای اقتصادی جنگ روبرو است. این وضعیت، تصمیم‌گیری درباره دخل‌وخرج دولت را از یک مساله صرفاً مالی به موضوعی مرتبط با ثبات اقتصادی، امنیت تأمین کالاهای اساسی و توان کشور برای عبور از بحران تبدیل کرده است. در چنین شرایطی، پرسش اصلی فقط این نیست که بودجه سال آینده باید انقباضی باشد یا انبساطی؛ بلکه باید روشن شود دولت چگونه می‌تواند میان ضرورت کنترل هزینه‌ها، تأمین نیازهای اساسی مردم و حفظ ظرفیت تولید و سرمایه‌گذاری تعادل برقرار کند. تجربه ماه‌های گذشته نشان داده است که اداره اقتصاد در شرایط جنگی، علاوه بر تأمین منابع مالی، به هماهنگی دستگاه‌های اجرایی، انعطاف در تصمیم‌گیری، مدیریت زنجیره تأمین و استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی نیاز دارد. از سوی دیگر، تداوم تورم و محدودیت منابع اجازه نمی‌دهد دولت بدون توجه به هزینه‌های تصمیمات خود، تعهدات مالی تازه‌ای ایجاد کند. بنابراین، بودجه ۱۴۰۶ باید از یک سو واقعیت‌های...

صفحه ۲ را بخوانید

زنگ خطر تجارت خارجی و زنجیره تأمین کشور به صدا درآمد

توقف تجارت پشت مرزها

تعادل | توقف حدود ۸۹۰۰ کامیون ایرانی در مرز بازرگان و تداوم مشکلات جابه‌جایی کانتینرهای ایرانی در بندر کراچی پاکستان، بار دیگر چالش‌های ساختاری حمل‌ونقل و تجارت خارجی کشور را به صدر اخبار بازگردانده است. اگرچه تردد در تمامی مرزهای رسمی ایران برقرار است و عملیات صادرات و واردات متوقف نشده، اما افزایش حجم ترددهای زمینی، محدودیت پذیرش کامیون‌ها از سوی کشورهای مقصد، اختلال در مسیرهای دریایی و نبود متولی واحد برای مدیریت مرزها، موجب افزایش زمان انتظار ناوگان و تحمیل هزینه‌های سنگین به فعالان اقتصادی شده است. بررسی اظهارات مسوولان بخش حمل‌ونقل نشان می‌دهد که مساله ایستایی کامیون‌ها صرفا یک مشکل عملیاتی در مرزها نیست، بلکه نشانه‌ای از ناهماهنگی در سیاست‌گذاری، ضعف زیرساخت‌ها و آسیب‌پذیری شبکه لجستیک کشور در برابر اختلالات منطقه‌ای است. یکی از مهم‌ترین محورهای این بحران، وضعیت مرز بازرگان به عنوان یکی از اصلی‌ترین مبادی ارتباط تجاری ایران با ترکیه و بازارهای اروپایی است. بر اساس اظهارات رضا رستمی، رییس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق ایران، در حال حاضر حدود ۸۹۰۰ کامیون ایرانی در این مرز متوقف شده‌اند؛ آماری که ابعاد قابل توجه مشکل را نشان می‌دهد. رستمی با اشاره به ادامه‌دار بودن معطلی کامیون‌ها در مرزهای کشور، پذیرش پایین کامیون‌های ایرانی از سوی کشورهای مقصد، به‌ویژه ترکیه، را یکی از عوامل اصلی این وضعیت دانسته است. با این حال، از نگاه وی، مساله مهم‌تر به نبود متولی واحد برای مدیریت مرزهای کشور بازمی‌گردد. این موضوع نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که زیرساخت‌های فیزیکی مرزها وجود دارد، نبود هماهنگی میان دستگاه‌های مسوول می‌تواند به عاملی برای ایجاد صف‌های طولانی و اختلال در جریان تجارت تبدیل شود. در واقع، مدیریت مرز تنها به عملکرد یک سازمان یا دستگاه محدود نیست و مجموعه‌ای از نهادهای گمرکی، انتظامی، راهداری، بهداشتی و سایر دستگاه‌های مرتبط در آن نقش دارند. هرگونه ناهماهنگی...

صفحه ۷ را بخوانید

یادداشت - ۳

رشد بورس بر مدار تورم



بهمن فلاح

بازار سرمایه در ماه‌های اخیر، با وجود تجربه نوسانات متعدد و تأثیرپذیری از ریسک‌های سیاسی و اقتصادی، همچنان با محرک‌هایی مواجه است که می‌توانند زمینه تداوم روند صعودی آن را فراهم کنند. در این میان، انتظارات تورمی را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر رشد بورس پس از جنگ دانست؛ عاملی که در کنار تحولات نرخ ارز، اصلاح تدریجی سیاست‌های قیمت‌گذاری، بهبود شرایط بنیادی شرکت‌ها و کاهش بخشی از ریسک‌های سیاسی، نقش مهمی در شکل‌گیری چشم‌انداز بازار ایفا می‌کند.

آنچه در بررسی وضعیت فعلی بازار سرمایه اهمیت دارد، توجه به این نکته است که رشد اخیر بورس را نمی‌توان صرفا به ورود گسترده نقدینگی یا تغییر قابل توجه در جریان معاملات نسبت داد. در واقع، طی چند ماه گذشته تحول چشمگیری در وضعیت نقدینگی بازار رخ نداده که بتوان آن را به عنوان محرک اصلی رشد یا عامل نگرانی در صورت خروج پول معرفی کرد. از این منظر، بخش مهمی از افزایش قیمت سهام را باید در تغییر انتظارات سرمایه‌گذاران نسبت به آینده اقتصاد، تورم و نرخ ارز جست‌وجو کرد.

انتظارات تورمی همچنان یکی از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده در فضای اقتصادی کشور است. تداوم نگرانی‌ها درباره وضعیت ارزی، محدودیت‌های تامین ارز و فاصله میان نرخ‌های مختلف ارز، موجب شده سرمایه‌گذاران همچنان به دنبال حفظ ارزش دارایی‌های خود در برابر تورم باشند. در چنین شرایطی، بازار سرمایه نیز به عنوان یکی از بازارهای دارایی، می‌تواند از افزایش انتظارات تورمی تاثیر بگیرد؛ به‌ویژه آنکه بخش قابل توجهی از شرکت‌های بورسی، دارایی‌ها و درآمدهای خود را با متغیرهای ارزی و تورمی مرتبط می‌بینند.

از سوی دیگر، بررسی ارزش دلاری بازار سرمایه نشان می‌دهد بورس هنوز فاصله قابل توجهی با برخی بازارهای موازی دارد. ارزش دلاری بازار سهام در سال گذشته نیز در محدوده حدود ۱۰۰ میلیارد دلار قرار داشت و در مقاطعی، تحت تاثیر تنش‌های سیاسی و ریسک‌های سیستماتیک، حتی به سطوح پایین‌تری نزدیک شد. اکنون نیز با وجود رشد شاخص‌ها، ارزش دلاری بازار تغییر چشمگیری نداشته و عمدتا تحت تاثیر نوسانات نرخ ارز، اندکی افزایش یا کاهش را تجربه می‌کند. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که عملکرد بازار سرمایه با سایر بازارهای دارایی مقایسه شود. بازارهایی مانند طلا، سکه، خودرو و مسکن در دوره‌های اخیر رشدهای قابل توجهی را تجربه کرده‌اند، در حالی که بورس از منظر ارزش دلاری هنوز نتوانسته رشد متناسبی را به ثبت برساند. همین مساله نشان می‌دهد که بازار سهام، دست‌کم از منظر ارزش دلاری، همچنان با ظرفیت‌هایی برای جبران عقب‌ماندگی مواجه است؛ البته تحقق این ظرفیت به تداوم شرایط بنیادی مناسب و کاهش ریسک‌های حاکم بر بازار بستگی دارد.

در کنار انتظارات تورمی، برخی تحولات بنیادی نیز می‌توانند به تقویت چشم‌انداز بورس کمک کنند. یکی از مهم‌ترین این تحولات، حرکت تدریجی سیاستگذار به سمت کاهش قیمت‌گذاری دستوری در برخی صنایع است. حذف یا تعدیل محدودیت‌های قیمتی، به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که بخش بیشتری از ارزش واقعی محصولات خود را در درآمدها و سودآوری منعکس کنند.

هر چند این روند هنوز در همه صنایع به شکل یکسان اجرایی نشده، اما حرکت به سمت اصلاح سیاست‌های قیمت‌گذاری می‌تواند در بلندمدت به بهبود ساختار سودآوری شرکت‌های بورسی منجر شود.

همچنین اصلاح تدریجی سیاست‌های ارزی و کاهش فاصله میان نرخ‌های مختلف ارز، از دیگر متغیرهایی است که می‌تواند برای شرکت‌های صادرات‌محور اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. هر چه سازوکار تعیین نرخ ارز به سمت شفافیت بیشتر و کاهش شکاف نرخ‌ها حرکت کند، امکان کاهش رانت‌های ارزی و بهبود شرایط درآمدی شرکت‌هایی که محصولات خود را در بازارهای صادراتی عرضه می‌کنند، افزایش خواهد یافت. این موضوع به‌ویژه برای صنایع بزرگ بورسی که بخش قابل توجهی از درآمد آنها از محل صادرات تامین می‌شود، می‌تواند اثرگذار باشد.

در چنین فضایی، افزایش نرخ ارز توافقی و رشد تدریجی آن نسبت به دوره‌های گذشته نیز می‌تواند در محاسبات سودآوری شرکت‌ها منعکس شود. البته اثر این متغیر بر صنایع مختلف یکسان نیست و شرکت‌هایی که وابستگی بیشتری به واردات مواد اولیه دارند، ممکن است از افزایش نرخ ارز با فشار هزینه‌ای مواجه شوند. بنابراین، ارزیابی اثرات ارزی بر بازار سرمایه باید با در نظر گرفتن ساختار درآمدی، هزینه‌ای و میزان صادرات هر شرکت انجام شود.

در سوی دیگر، انتشار گزارش‌های عملکرد شرکت‌ها نیز همچنان یکی از نقاط اتکای تحلیل بنیادی بازار است. گزارش‌های شش ماهه بسیاری از شرکت‌ها نشان می‌دهد که روند درآمدی و سودآوری در بخش قابل توجهی از صنایع همچنان با نشانه‌های مثبتی همراه بوده است. اگرچه محدودیت‌های تامین مواد اولیه، مشکلات زیرساختی و برخی موانع تولید اجازه نداده‌اند رشد تولید در تمام صنایع با سرعت مطلوب دنبال شود، اما تقاضای مناسب برای محصولات بسیاری از شرکت‌ها همچنان یک نقطه قوت محسوب می‌شود

به‌بیان دیگر، در شرایطی که برخی شرکت‌ها با محدودیت در افزایش ظرفیت تولید مواجه هستند، وجود تقاضای بالا برای محصولات آنها می‌تواند زمینه مناسبی برای بهبود درآمد و سودآوری در صورت رفع موانع تولید فراهم کند. از این منظر، بازار سرمایه علاوه بر محرک‌های تورمی، از ظرفیت‌های بنیادی نیز برخوردار است؛ ظرفیتی که در صورت ثبات نسبی متغیرهای اقتصادی و کاهش محدودیت‌های عملیاتی، می‌تواند در عملکرد شرکت‌ها نمایان‌تر شود. موضوع دیگری که در چشم‌انداز بازار اهمیت دارد، وضعیت بازارهای موازی و ابزارهای مالی رقیب بورس است. انتشار اوراق و افزایش عرضه ابزارهای درآمد ثابت، از یک سو می‌تواند به تامین مالی دولت و بنگاه‌ها کمک کند و از سوی دیگر، با جذب بخشی از نقدینگی، فشار تقاضا در بازارهای ارز و سایر دارایی‌ها را کاهش دهد. با این حال، افزایش جذابیت نرخ‌های سود در بازار بدهی، همواره می‌تواند به عنوان رقیبی برای بازار سهام مطرح باشد. از این رو، میزان بازده مورد انتظار سهام در مقایسه با نرخ سود بدون ریسک، یکی از متغیرهایی است که سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های خود به آن توجه خواهند کرد.

در کنار عوامل بنیادی، سیاست‌های معاملاتی نیز همچنان از موضوعات مهم و اثرگذار بر کیفیت معاملات بورس به شمار می‌روند. دامنه نوسان محدود، به‌ویژه در دوره‌های پرتنش، می‌تواند مانعی برای کشف قیمت واقعی سهام باشد و روند اصلاح یا رشد بازار را با محدودیت مواجه کند.

ادامه در صفحه ۳